

در زمینه نورپردازی تعامل به چه صورت بود؟ از آنجایی که زندانی که شما طراحی کردید تاریکی‌های زیادی داشت که باید رعایت می‌شد با طراح نور در این باره به چه تعاملی رسیدید؟

به هر حال وقتی کاری را از صفر تا صد می‌سازی، باید‌ها و نبایدهایی در ذهن هست از نور که در کجا استفاده شود و کجا استفاده نشود، مثلاً برای جاهایی پنجره می‌گذاری و برای جاهای دیگری نمی‌گذاری، این که قسمت‌هایی هستند که پنجره ندارند یعنی باید فضا تاریک باشد و وقتی هست یعنی باید نوری باشد. این که کارگردان طبق سلیقه طراح صحنه کار کند مهم است. هومن بهمینش در ساخت‌وساز به ما خیلی کمک کرد جایی که نیاز داشتیم منبع نور اضافه شود اضافه می‌شد و جایی که احتیاج نداشتیم حذف می‌شد. در کل تعامل بین ما خیلی زیاد بود.

در این زمینه و درباره طراحی صحنه فیلم «سرخ پوست» چقدر از فیلم‌های هالیوودی الهام گرفتید؟

ما فیلم‌های تخیلی و علمی و... کار نمی‌کنیم که بخواهیم همه آن را از ذهنیت خودمان استفاده کنیم. ۹۹ درصد فیلم‌هایی که کار می‌کنیم بر اساس واقعیت است. در فیلم «سرخ پوست» زندان را طراحی کردیم که دلیلی نداشت زندان عجیب و غریبی طراحی کنیم، رفرنس‌هایی وجود دارد که در همه کارهایم همیشه سعی می‌کنم آن‌ها را منبع قرار دهم. می‌لزن کر کا کلزاکویچ در فیلم «محمد(ص)» می‌گفت: ما مستند تاریخی کار می‌کنیم که همه المان‌های طراحی مان شبیه آن شود اما یک سری رفرنس‌هایی داریم مثل اینترنت و از آن استفاده کنیم. بنابراین فکر می‌کنم برای فیلم‌هایی طراح باید از تخیل استفاده کند تا بتواند صحنه‌های بهتری داشته باشد. همین زندانی را که در فیلم می‌بینیم چهار هزار عکس زندان دیدم تا ترکیب این عکس‌ها و خلاقیت خودم توانستم این زندان را بسازم و اگر اسم این کار کپی کاری می‌شود یا نه، برای من مسئله‌ای نیست و مهم این است که این‌ها تبدیل به خواست فیلمنامه شود و بتوان از آن استفاده کرد. من همه فیلم‌هایی که در زندان روایت می‌شوند را دیدم و اگر شباهتی بوده به این دلیل است که همه زندان‌ها شبیه هم هستند و همه یک بند، سلول و... دارند و همه جای دنیا همین‌طور است.

در کارنامه کاری شما قریب به ۱۰ فیلم است که نوید محمدزاده هم در آن‌ها به عنوان بازیگر حاضر است این موضوع اتفاقی پیش آمده یا نه؟

کاملاً اتفاقی بوده است! من با کارگردان‌هایی کار می‌کنم که نوید محمدزاده هم با آن‌ها کار می‌کند. برای ما هم شگفت‌آور است دوباره باهم کار می‌کنیم و تقریباً همه فیلم‌های نوید محمدزاده را ما باهم همکاری کرده‌ایم. معرفی در کار نیست و کاملاً اتفاقی پیش آمده است.



زمانی که نقشه را می‌کشیدم فکر نمی‌کردم که تهیه‌کننده و گروه تولید زیر بار این همه پول برای نیازهای نقشه بروند اما قبول کردند و امیدوارم از این دست تهیه‌کننده‌ها بیشتر شود! یک سو کارگردان است که چه می‌خواهد و یک سو گروه تولید که چقدر می‌توانند در راستای خواست فیلمنامه و کارگردان کمک کنند و خیلی از خواسته‌های ما برآورده شد، تنها چیزی که ما کم داشتیم، زمان بود



تفاوت دارد. هیچ کدام غلط نیست آن‌ها به شکلی کار می‌کنند، ما به شکلی دیگر کار می‌کنیم. آن‌ها نیروهای بیشتری دارند و برای هر بخش نیروهای متفاوتی دارند و اکسسوری که استفاده می‌کنند خیلی بیشتر است. یکی از خوبی‌های کار آن‌ها تقسیم کار است و طراح چیدمان دارند. برای هر کار مدیر هنری متعددی وجود دارد و هر بخشی را یک نفر به عهده می‌گیرد که زیر نظر مدیر هنری است. متأسفانه ما این موضوع را در سینمای ایران نداریم و همه کارها به عهده یک نفر است و چون نیروها متخصص نیستند باید نسبت به آن‌ها حواس جمع تر بود که کارها را درست انجام دهند، باید چیدمان را خودمان انجام دهیم به این معنی که مسئولیت بسیاری روی دوش طراح صحنه است، وقتی فشار کار بالاست ممکن است خدش‌های وارد شود چون باید کار در دست متخصص باشد مثل نقاش برای رنگ کردن، چون شما با خیال راحت کار را به دست او می‌سپاری و خیالت از بابت آن راحت است اما من فقط یک نفر هستم و تنها باید کارم را انجام دهم و فرد متخصصی نیست.

در هلی‌شات‌ها نقش طراحی صحنه به چه صورت پیش می‌رفت؟

ماکت را از اول برای او چیز ساختیم؛ اول نیاز فیلمنامه، دوم باید می‌فهمیدیم زندان چه شکلی است و چون به خیلی از قسمت‌ها نیاز نداشتیم، نساختیم. من نقشه کلی داشتیم و آن را به گروه جلوه‌های ویژه دادم و با تعاملی که باهم داشتیم پیش رفتیم. خروجی زندان را کشیدیم ولی با نقشه‌هایی که به آن‌ها داده بودیم بقیه کار با جلوه‌های ویژه بود.



نیما جاویدی چقدر در خرج کردن دست‌ان را باز گذاشت؟

خیلی زیاد! به دلیل این که نیما جاویدی هم آشنایی با معماری داشت خیلی دچار چالش نمی‌شدیم. روی نقشه که برایشان توضیح می‌دادم او تمام نکات را می‌فهمید و می‌دانست از صحنه چه می‌خواهد و چه نمی‌خواهد. خیلی در پیش تولید دچار سختی نشدیم و زمانی که هومن بهمینش به گروه پیوست به جمع‌بندی‌های خیلی خوبی رسیدیم، تصمیم‌های زیادی گرفتیم و بعضی از تصمیم‌ها هم عوض شد و درست شد. من و نیما جاویدی از یک سو و گروه تولید و تهیه از سویی دیگر نقش بسزایی در پیش بردن نقشه‌ها داشتند و کمک کردند و وسایل مورد نیاز را می‌خریدند. زمانی که نقشه را می‌کشیدم فکر نمی‌کردم که تهیه‌کننده و گروه تولید زیر بار این همه پول برای نیازهای نقشه بروند اما قبول کردند و امیدوارم از این دست تهیه‌کننده‌ها بیشتر شود! یک سو کارگردان است که چه می‌خواهد و یک سو گروه تولید که چقدر می‌توانند در راستای خواست فیلمنامه و کارگردان کمک کنند و خیلی از خواسته‌های ما برآورده شد، تنها چیزی که ما کم داشتیم، زمان بود.

شما در فیلم «محمد(ص)» با یک تیم بین‌المللی کار کردید. این تجربه چقدر به شما اثبات کرد که در زمینه طراحی صحنه با لباس با معیارهای جهانی فاصله داریم؟ تفاوت خیلی زیاد است! شکل‌نگاهی که آن‌ها به طراحی صحنه دارند با نگاهی که ما داریم بسیار